

احمد گلچین معانی

خانقاه و مقبره صدرالدین ابراهیم بن

سعدالدین حمثوئی جوینی

اخیراً در میان کتابهای خطی مرحوم دکتر صحت که از ورثه وی خریداری شد، و در مردادماه ۱۳۴۹ تحویل کتابخانه آستان قدس رضوی گردید، به رساله‌یی برخوردیم که از آثار تحقیقی مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (م: ۱۳۱۳ق) است در رجب ۱۳۰۲ هجری قمری. رساله مزبور در تحقیق و تشخیص عمارت‌تیسست واقع در تل مابین قریتین شیان^۱ و لویزان^۲ تهران، منسوب به صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین محمد حمثوئی جوینی از اواخر قرن هفتم هجری (= ۶۹۴).

باینکه مرحوم اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود به پاره‌یی از کارهای علمی خویش اشاره ضمنی دارد^۳، و در گزارش‌های روزانه می‌نوشته که همراه شاه بکدام یک از نواحی اطراف تهران و شمیران رفته‌بوده^۴، در

۱- شیان - ده جزء بخش شمیران شهرستان تهران، هفت کیلومتر جنوب خاور تجریش، سه کیلومتر خاور سلطنت آباد... «فرهنگ جغرافیایی ایران»

۲- لویزان - ده جزء بخش شمیران شهرستان تهران، شش کیلومتر جنوب خاور تجریش، دو کیلومتر خاور سلطنت آباد... «فرهنگ جغرافیایی ایران».

۳ و ۴- یکشنبه دوازدهم جمادی الاخری سنه ۱۳۰۲ قمری: «صبح باران شدیدی می‌بارید،

تاریخ تألیف این رساله و پیشتر از آن، از رفتن به شیان و لویزان و دیدن عمارت منسوب به صدرالدین ابراهیم جوینی چیزی ذکر نکرده است . نگارنده به بعضی از منابع که احتمال داده میشد مؤلفان آنها به مناسبت موضوع اشارتی بدین عمارت باستانی کرده باشند ، مراجعه کرد و اثری نیافت .

از جمله: کتاب ری باستان، که در آن از شیان و لویزان مطلقاً سخنی نرفته است. و الذریعه و فهرست مشکوة، ذیل: «فرائد السمطين» که تألیف صدرالدین ابراهیم مذکورست، و در هر دو کتاب مبحث مربوط بدان طول و تفصیلی دارد .

بنابر این میتوانم با اطمینان خاطر این رساله را به عنوان یکی از آثار نشر نیافته اعتماد السالطنه با توضیحات مختصری در حواشی به خوانندگان گرامی عرضه بدارم .

باشد که از طرف اداره کل باستان شناسی و یا دانشمندانی که علاقمند بدین قبیل مسائل هستند و در تهران اقامت دارند، درباره عمارت مزبور یا بقایای آن، تحقیقات دامنه دارتری صورت گیرد، و نظر دقیقتری ابراز شود. نسخه این رساله دستنویس دکتر جلیل خان مؤید الحکمای تهرانیست، که در بیست و پنجم فروردین ۱۳۰۳ از روی نسخه اصل نوشته و به دنبال آن شرح حال شاد نعمه الله ولی را آورده است .

→ شاه سوار شدند، دوشان تپه تشریف بردند، من هم رفتم بالا ناهار خوردم، بعد از ناهار سوار شدند، قدری در باغ گردش کردند، بعد قصر فیروزه رفتند . عصرانه خورده خوابیدند، نزدیک مغرب مراجعت بشهر کردند، بمن فرمودند شرح تفصیل قلعه و شهر میبدر را بنویسم، شهر آمدم زیاده از پانصد بیت کتابت کردم، عجب است وزیر علوم مخبر الدوله است، من باید انکشاف علمی را بکنم...» «روزنامه خاطرات، ص ۲۹۵» .

شکسته‌نستعلیق خوش، کاغذ فرنگی خطدار، قطع رقعی، شماره
عمومی (۱۰۵۶۵).

مشهد، دیماه ۱۳۵۰

احمد گلچین معانی

* * *

رساله در تحقیق و تشخیص صدرالدین ابراهیم نام که

عمارت منکشفه در تل واقع مابین قریتین شیان ولویزان برای

او ساخته و پرداخته شده است، و آنچه مقتضای اجتهاد

تاریخی و مؤدای تطبیق کتب سیر و اخبار باین آثار میباشد.

بسمه تبارک و تعالی

آنچه از تتبع کتب رجال و تواریخ استفاده و معلوم میگردد آنست که
همانا این مکان واقع در مابین قریتین لویزان و شیان که آثار قبر شخصی
ملقب به صدرالدین و موسوم به ابراهیم و متوفی در ششصد و نود و چهار^۵
در آن پیدا شده است، خاک شیخ اجل صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین
محمد حموئی صوفی میباشد، که از مشاهیر مشایخ اواخر مائه هفتم
هجری بوده، و در همین حدود طهران و حوالی ری نیز عبور و مرور داشته
است، و جهت آمدن وی بحوالی ری داستان اسلام پادشاه آن عهد غازان
خان ترک است^۶ که لقب ترکمان از آن زمان بهمرسید.

مفصل این مجمل آنکه چون گیخاتو خان ترک^۷ در انواع فجور و فسق

۵- درباره تاریخ فوت صدرالدین ابراهیم نگاه کنید به پاورقی صفحه آخر،

۶- غازان خان بن ارغون بن ابقاخان بن هلاکو (۶۹۴-۷۰۳ هـ) «طبقات سلاطین اسلام»

۷- گیخاتو خان بن ابقاخان بن هلاکو (۶۹۰-۶۹۴ هـ) «طبقات سلاطین اسلام».

و تعرض ناموس مسلمانان و ایداء اهالی ایران نهایت تجری و بیباکی را پیشه خود ساخته بود، امراء و نوئینان^۸ با بایدو^۹ مواضعه و سازش کرده گیخاتورا از میان برداشتند، و بایدو را بسلطنت برگماشتند .

در اوایل سال ششصد و نود و چهار که شاهزاده غازان با امیر نوروز- بیگ متوجه سلطان دوین استرآباد^{۱۰} بود، در اثناء راه خبر قتل گیخاتو و جلوس بایدو متواتر گشت، و این معنی بر خاطر شاهزاده گران آمد، بعد از رسیدن به سلطان دوین در باب دفع بایدو، و تسخیر ممالک موروث بااعظم ارکان دولت مشاوره کرد، امیر نوروز بیگ معروض داشت که امید چنانست که عن قریب شاهزاده عالمیان را بر سریر سلطنت و جهانبانی بنشانم، و بایدو را مانند حجاب کفر از میان برگرفته تمامی امراء و اعیان را مسخر فرمان گردانم، بشرطی که شاهزاده باطن خجسته میامن را بانوار ایمان و عرفان منور سازد، و سالك طریق مسلمانان گشته، شریعت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله را آیین خویش و خویشاوندان قرار دهد، شاهزاده غازان این شرط را از جان پذیرفت. و همداستان نوروز بیگ بصوب آذربایجان در حرکت آمد، و این امیر نوروز پسر ارغون آقباست که قرب چهل سال در زمان چنگیز خان بعضی از بلاد ایران باوی تعلق داشت، و امیر نوروز بر اقتضای پاکی فطرت از آیین مقول بدین اسلام درآمده بود، و چون غازان قطع منازل و مراحل کرده بتصریح جمعی از علماء فن تاریخ، طهران ری را

۸- نوئین - بضم اول بمغولی سردار را گویند . «تاریخ و صاف» .

۹- بایدو خان بن طراغای بن هلاکو از جمادی الاولی تا ذی القعدة ۶۹۴ سلطنت کرد، در جنگ با غازان خان بطرف نخجوان گریخت، و در راه او را بگرفتند و در تبریز بکشتند .

«تاریخ غازانی، ص ۹۳»

۱۰- سلطان دوین استرآباد بروایتی محل ولادت غازان خان بوده است .

«لب التواریخ، ص ۱۴۵»

معسکر ساخت، باستصواب نوروز بیگ دو کس را از طهران نزد بایدو پرسالت فرستاد، و پیغام داد که هرگز دستور نبوده که امراء قراچور^{۱۱} متعرض اروغ^{۱۲} چنگیز خانی گردند، لاجرم باید متصدیان قتل گیخاتو را بحضور فرستند، تا بغور آن قضیه رسیده بقصاص رسند، بایدو خان در جواب گفت: امراء بموجب فرموده ما گیخاتورا کشته اند، و حالا تمامی آقا و اینی^{۱۳} بر سلطنت ما متفق گشته اند، پس مناسب آنکه غازان خود را رنجه ندارد و بجانب خراسان مراجعت نماید، این جواب را در قنقور النک^{۱۴} بعرض غازان رسانیدند، و او بعزم قتال بایدو خان بجانب هشتروند نهضت نمود، و بایدو بدفع وی برخاست، روز پنجشنبه رجب ششصد و نود و چهار در نواحی قربان شیره نزدیک رودخانه قریه شیرگیران بهم رسیده جنگ کردند لشکر بایدورا شکستی رسید و بصلح راضی شد، و باغازان مشافهه ملاقات کرد، ولی امیر نوروز بیگ از انجام مصالحت مانع شده روز دیگر کوچ کردند و در اثناء این احوال صدر جهان خواجه صدرالدین احمد زنجانی^{۱۵} که از روم براه گیلان مراجعت نموده بود، باردوی غازان رسید و مورد مرحمت

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱۱- قراچور - بیابان گرد است، و در آن نجا مقصود ایل غیر اصیل می باشد. «نقل از هامش نسخه»
- ۱۲- اروغ - بضم اول بمعنی خاندان و خویش و تبار باشد، «تاریخ و صاف».
- ۱۳- آقا برادر بزرگ است و اینی برادر کوچک، و اینجا مقصود مطلق و عموم بزرگ و کوچک می باشد از امراء و رعایا، «نقل از هامش نسخه».
- ۱۴- قنقور النک - باصطلاح ترکان چمن سلطانیه است، «نقل از هامش نسخه».
- ۱۵- صدر جهان زنجانی مردی شریب النفس و جاه طلب بود، کشته شدن امیر نوروز بیگ در ۲۲ شوال ۶۹۶ بسعایت او انجام گرفت. وی بعد از جمال الدین دستجردانی در محرم ۶۹۶ بوزارت رسید، و در ۲۱ رجب ۶۹۷ کشته شد. «تاریخ غازانی (ص ۱۱۶-۱۲۰) لب التواریخ (ص ۱۴۵)».

گردید، و اونیز بر وتیره امیر نوروز غازان را باسلام دعوت نمود، و معروض داشت که اگر شاهزاده نیت کند که چون بردشمن غالب آید، در تقویت دین نبوی و ترویج ملت مصطفوی بکوشد، من متکفل میشوم که نوروز بیگ را از راه گیلان غفلة بر سر باید و رسانم، و غازان خان نیز ازو متقبل این شرط شریف گردید^{۱۶} و بوقت مقام فیروزکوه چنانکه عبارت و صاف الحضرة است، و یا لار دماوند، چنانکه صاحب روضات الجنات تصریح فرموده، قوریلتهای اعظم ساخت^{۱۷} و در حضور جمع وزراء و ارکان و امراء و اعیان موکب خود، پارشاد و تلقین شیخ صدرالدین ابراهیم، اول غسل کرد و خرقة شیخ سعد الدین پدر شیخ صدرالدین را پوشیده بوحدانیت خدای تعالی و رسالت محمد بن عبدالله گرویده شهادتین بزبان جاری کرد، و خروشی عظیم از مردم برخاست، و قرب یکصد هزار کس از ترکان متابعت پادشاه کرده ایمان آوردند، و ازینوقت ایشانرا ترک ایمان خواندند، و بتدریج تخفیف لفظی یافته ترکمان گفتند^{۱۸} پس غازان خان لؤلؤ بسیار و ازسیم و زر مبلغی بیشمار بر مردم نثار نمود، و نوروز بیگ قدری از قرآن بر غازان خان یاد داد، و نماز آموخت و روزه گرفت و نامش بگردانید و محمود گذارده شد.

اینهمه آثار توفیقی بمراقبت و القاء شیخ صدرالدین ابراهیم حمّوئی بمقام ظهور رسید، و این صدرالدین اکثر اوقات ملتزم موکب غازان خان بوده است، چنانکه وزیر و مورخ همان عصر مخصوص خواجه رشید الدین همدانی در جامع التواریخ تصریح میکند، و منشاء اصلی اسلام غازان خان را بدلات و هدایت او مستند میدارد^{۱۹} و بجز خواجه رشید الدین جمعی کثیر

۱۶- ركة: تاریخ و صاف (ص ۳۲۲).

۱۷- قوریلتهای - بترکی مجمع کنگاش و شوری و جشن را گویند، «تاریخ و صاف».

۱۸- سخنی است ناصواب، رجوع شود بکتاب تاریخ و سیر پیش از دوره غازان.

۱۹- تاریخ غازانی (ص ۷۹).

نیز صریحاً شیخ صدرالدین را بجلالتِ قدر و علوِ منزلت ستوده، مباشرتاً تلقینِ کلمه طیبه و تعلیمِ شهادتین به غازان خان نوشته‌اند.^{۲۰} از آنجمله است قاضی القضاات احمد بن علی بن حجر شافعی عسقلانی که در کتاب الدرر الکامنه که تاریخ رجال مائه ثامنه است، در احوال غازان بن ارغون بن ابقابن هلاکوبن تولی بن چنگیز خان باین عبارت میگوید که: وکان اسلامه علی يد الشیخ صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین حمویة الجوینی»^{۲۱}.

و دیگر میر معاصر در کتاب روضات الجنات میفرماید: شیخ صدرالدین ابراهیم پسر سعدالدین محمد صوفی را بعضی بتشیع نسبت داده‌اند، و غازان خان برادر سلطان محمد اولجایتو در شهر سال ششصد و نود و چهار در قصری که به لار دماوند داشت، بدست این شیخ بزرگوار اسلام اظهار کرد، و در مجلسی بزرگ که ساخته بود نیز خلقی کثیر از ترک ایمان آوردند، و چنانکه در قاموس است اسم ایشان ترکمان شد.

و دیگر مولانا احمد مشهور بقاضی زاده شهید تتوی که از علماء دولت اکبر شاه هندی است^{۲۲} در کتاب الفی میگوید: و اسلام غازان خان بسعی امیر نوروز در حضور شیخ صدرالدین ابراهیم حموی در چهارم شعبان سنه مذکوره از قوه بفعل آمد. مع علوم انسانی
و خواجه رشید در ذیل عنوان: حکایت منشرح شدن سینه مبارک

۲۰- قولیست که جعلی برآند.

۲۱- رکه: درر الکامنه (ج ۳ حرف غین).

۲۲- قاضی زاده احمد بن نصرالله تتوی از تاریخ الفی وقایع سال سی و شش رحلت پیغمبر تا زمان چنگیز را نوشت و در ۹۹۶ کشته شد، و بقیه را تانهد و نود و هفت میرزا قوام الدین جعفر آصفخان قزوینی متوفی ۱۰۲۱ تألیف کرد، و مبحث مذکور در متن نوشته آصف خان است. رکه: منتخب التواریخ بداونی، ج ۲ ص ۳۱۸-۳۱۹.

پادشاه اسلام غازان خان بنور ایمان و اسلام آوردن او و امراء بحضور شیخ -
 زاده صدرالدین حمّوئی جوینی دامت برکته^{۲۳}، باین عبارت میگوید که:
 و شیخ زاده بزرگوار صدرالدین ابراهیم بن قطب الاولیا، شیخ سعدالدین
 حمّوئی اعز الله و قدس نفسه حاضر بود، و بیشتر اوقات ملازم، پادشاه
 پیوسته از وی استکشاف حال دین اسلام مینمود، و از دقائق و حقائق آن
 سؤال و بحث میکرد، و بحکم فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للإسلام،
 نزول سکینه در سینه مبارکش سطوع انوار ایمان را در ضمیرش قوت میداد
 و امداد هدایت بر وی استیلا می آورد، و گفت حقیقت آنکه اسلام دینی
 بغایت متین و مبین است، و بر جمیع فواید^{۲۴} دینی و دنیاوی محتوی، و
 معجزات حضرت رسول (ص) عظیم دلاویز و باهر، و علائم صحت آن بر
 صحایف روزگار واضح و ظاهر، و بی شبهه مداومت و مواظبت بر اداء
 فرایض و واجبات و نوافل و مندوبات آن بحق موصل باشد، اما عبادت
 اصنام محض بی کفایتی است، از عقل و دانش بغایت دور، و صاحب رای و
 کفایت سرپیش جماد بر زمین نهادن را محض جهالت و حماقت داند، (تا آنجا
 که میگوید) بر جمله غازان خان در اوائل شعبان سنه اربع و تسعین و ستمانه
 بحضور شیخ زاده^{۲۵} صدرالدین ابراهیم حمّوئی با تمامت امراء کلمه توحید
 بگفت و جمله مسلمان شدند، و در آن ماه طویها کردند^{۲۶} و بعبادت اشتغال
 نمودند، و جماعت سادات و مشایخ و ائمه را نواخت فرمود، و ادرارات و
 صدقات داد، و در باب عمارت مساجد و مدارس و خانقاهات و ابواب البر

۲۳- رکه: تاریخ مبارک غازانی (ص ۷۶-۸۰).

۲۴- قواعد، تاریخ مبارک غازانی (ص ۷۹).

۲۵- شیخ زاده بزرگ، تاریخ غازانی (ص ۷۹ س آخر).

۲۶- طوی - جشن و مهمانی بود. «تاریخ و صاف».

احکام بمبالغت اصدار فرمود، انتهى^{۲۷}.
اینکه صدرالدین ابراهیم را خواجه رشید، شیخزاده مینویسد، از بابت شأن عظیم و جلالت خطیر است که پدر او را در آن اعصار بود، چه شیخ سعدالدین حمّوئی از اکابر عرفا و مشاهیر ارباب سلوک است، و اسم او در السنه علماء تاکنون مشهور، و در جمیع کتب مؤلفه رجال طریقت و غیرها مسطور میباشد.

خواجه حمدالله مستوفی قزوینی وفات او را در عهدِ هلاکوخان بتاریخ ششصد و پنجاه و هشت مینویسد^{۲۸} و امین احمد رازی در طی تعداد رجال

۲۷- در اکثر کتب سیر، اسلام آوردن غازان در حضور شیخ صدرالدین ابراهیم تصریح شده است، از جمله: تاریخ بناکتی (ص ۴۵۴-۴۵۵) مجمل فصیحی (۲/۳۷۱) روضة الصفا (ج ۵) تذکره دولتشاه (ص ۲۱۴) حبیب السیر (۳/۱۴۴) طرائق (۲/۶۶۰) منتظم ناصری (سال ۶۹۴) اوباق مغل (ص ۱۹۴) ریاض السیاحه (ص ۳۲)، تاریخ نگارستان (ص ۲۶۱)، جهان آرا (ص ۲۱۲) مرآة الادوار (در ذکر غازان) تاریخ مقول تألیف استاد فقید مرحوم اقبال آشتیانی (ص ۲۵۶) و در کتاب اخیر آمده است که: «این بیانات در مزاج غازان مؤثر افتاد، و چون سابقاً هم بامیرنوروز در قبول اسلام وعده داده بود، مصمم شد که بمعهد خود وفا کند. و بهمین نیت در چهارم شعبان سال ۶۹۴ در لار دماوند غسل کرده جامه یی نو پوشید و بردست شیخ صدرالدین ابراهیم پسر عارف معروف شیخ سعدالدین محمد بن حمویة جوینی که یکی از دختران عظامک جوینی را در عقد خود داشت، اسلام آورد...».

۲۸- تاریخ گزیده چاپ تهران (ص ۶۷۰-۶۷۱) سال وفات شیخ سعدالدین را عموماً ششصد و پنجاه نوشته اند، مؤید الحکماء نیز این دوبیت را از تذکره دولتشاه در هامش نسخه نقل کرده است:

وفات شیخ جهان سعد دین حمّوئی که نور ملت اسلام و شمع تقوی بود
بروز جمعه نماز دگر به بحرآباد بسال ششصد و پنجاه و عیداضحی بود

و در ذیل آن افزوده است: «از تذکره دولتشاه سمرقندی که گوید عزیزی در تاریخ وفات شیخ سعدالدین حموی میفرماید، وبعد دوبیت فوق را مینویسد، و حمّوئی را حموی همه جا نوشته است، ولی از وزن همین شعر معلوم میشود که شاعر «حمّوئی» گفته است.

جوین حال او را ایراد کرده است، میگوید در علوم ظاهری و باطنی یگانه بوده، مصنفاتش بسیارست، چون کتاب محبوب [الأولیاء] و سجنجل الأرواح و غیرهما و در آن تصنیفات سخنان مرموز و کلمات مشکل که عقل و فکر از کشف و حل آن عاجز آید بسیار درج کرده، این دورباعتی که خود در کتاب محبوب آورده از وی مشهورست:

در دل ز فراق، خستگیها دارم در کار ز چرخ، بستگیها دارم
با اینهمه غم تو نیز پیمانِ وفا مشکن که جز این شکستگیها دارم



سرگشته چو من در شکن موی تو نیست کس نیست که او شیفته روی تو نیست
گویند بهشت جاودان خوش باشد دائم بیقین که خوشتر از کوی تو نیست^{۲۹}
و کلیته بنی حمویه از علما و عرفا بوده اند، و اسامی جمعی کثیر از
اولاد حمویه جوینی در کتب معتبره ثبت است.^{۳۰}

فیروز آبادی در قاموس اسم جد این طایفه را بر وزن شبویه ضبط
میکند و میگوید: (و بنو حمویه الجوینی مشیخة) یعنی اولاد حمویه از
مردم جوین خراسان همه مشایخ اند. *انسانی و مطالعات فرهنگی*
و چون تاریخ وقت و طبقه رجال و اهمیت آثار این قبر با حال همین
شیخ صدرالدین ابراهیم مذکور نهایت تطابق و کمال توافق را دارد، پس اگر
تاریخ فوت او را هم بعد از تاریخ مکتوب در این آثار فرض کنیم، چنانکه از
بعضی قرائن مستفاد میشود، باز در این استنباط و استظهار ما قدحی

۲۹- هفت افلیم چاپ تهران (۲/۳۰۳).

۳۰- استاد فقیه مرحوم سعید نفیسی مقاله بی تحت عنوان: «خاندان سعدالدین حموی» دارد که در «کنجکاوی های علمی و ادبی» از انتشارات دانشگاه تهران (سال ۱۳۲۹) چاپ شده است، ولی در حال تحریر در دسترس نگارنده نبود.

نخواهد رفت، و موجب تضعیف این اجتهاد قوی نخواهد بود، چرا که بر تقدیر تحقق اختلاف ماه و سال تاریخی بتقدم عمارت این مکان بعنوان خانقاه بر فوت صدرالدین ابراهیم خواهیم رای زدن، و معتقد شدن بر اینکه شیخ مذکور خود اینجارا خانقاه برای خویش ساخته، و بعدالفوت نیز در همین جایگاه یعنی در خانقاه خود بخاک رفته است.

پس بمجرد اینکه اثر اختلاف تاریخی بخاطر بخلد در اساس این اجتهاد رخنه نخواهیم راه داد، و چون راه این شبهه را بر این وجه مسدود نمودیم، پس اگر احتمالی که میر معاصر در کتاب روضات الجنات^{۳۱} داده، و این شیخ صدرالدین ابراهیم را همان مصنف کتاب فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والبتول والسبطین انگاشته که در هفتصد و شانزده ازتالیف آن فراغت افتاده است، صحیح و موافق با واقع باشد هم دراستظهار عمارت این خانقاه برای صدرالدین شیخزاده مذکور خدشه یی بهم نخواهد رسید، بلکه منشاء مزید شان و جلالت قدر خداوند این خانقاه خواهد گردید، چه بنا بر صحت این احتمال در واقع و نفس الامر و تحقق اتحاد شیخزاده مذکور با شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالدین محمد، هر آینه در شرح مراتب علمیه و تفصیل احوال و فهرست کتب و اساتید و معاصرین صاحب این خانقاه کتابی میتوان پرداخت، و اینجارا یکی از مزارات محترمه مسلمین میتوان ساخت^{۳۲}، هذا ما عند العبد المهجور والله العالم بحقایق الامور.

صورت آنچه در آجر کاشی مثنی معلوم میشود، چه از رنگی که

۳۱- روضات، ص ۴۹.

۳۲- تاریخ فوت صدرالدین ابراهیم در مجمل فصیحی (۳/۲۴) ذیل وقایع سال ۷۲۲ هجری ثبت شده است، و در فهرست مشکوة (ج ۳ بخش ۳ ص ۱۴۴۰-۱۴۴۵) ذیل «فرائد السمطين» بنقل از روضات (ص ۴۹) والغدير (۱/۱۱۴) و مستدرک (۳/۴۵۸) لقبش «شمس الدین» و کنیتش «ابواسحاق» آمده است.

دیده میشود یا اثر آن رنگ که بر آجر مانده و بطرز مخصوصی در روشنی
وسایه دیده میشود، در صفحه مقابل است.
خانه‌زاد محمدحسن مترجم المعروف بصنیع الدوله، رجب ۱۳۰۲^{۳۳}.
عیناً رونویسی کرده‌ام عبدالجلیل بن عبدالباقی طهرانی المشتهر
بصفة الطبابة.

۲۵ فروردین ۱۳۰۳ بعجله قلمی شد (انتهی)

تحقیق دوست فاضل ارجمند آقای محمدتقی دانش پژوه درباره
کتاب «فرائد السمطین» تألیف شیخ صدرالدین ابراهیم حمّوئی جوینی،
منقول از فهرست مشکوة (ج ۳ بخش ۳ ص ۱۴۴۰-۱۴۴۵):

(عربی)

فرائد السمطین

[۱۲۷۵]

دانشمند محدث صوفی و پیشوای بزرگ شیخ الإسلام شمس‌الدین ابو-
اسحاق ابراهیم بن سعدالدین محمد بن المؤید ابی بکر بن ابی عبدالله محمد بن
حمّویه بن محمد جوینی خراسانی (۶۴۴ - ۷۲۲) بسیار بروایت حدیث
میپرداخت و میکوشید که دفترهایی از آن فراهم آورد (روضات ص ۴۹ -
الفدیر ۱۱۴۰: ۱ - مستدرک ۳: ۴۵۸). جامع علوم انسانی

او در این کتاب که در نسخه ما (گ ۱ الف) «کتاب السمطین فی مناقب
الرسول والبتول والمرتضی والسبطین» و «فرائد السمطین فی تفصیل مناقب
المرتضی والزهراء والسبطین» و در روضات «فرائد السمطین فی فضائل
المرتضی والبتول والسبطین» خوانده شده، دو سمط گذارده است.

۲۲- مؤیدالحکماء درهامش توضیح داده است که: «مقصود ۱۳۰۲ هجری است، مشبه

بتاریخ باستانی که درین ایام معمول شده است نشود، چنانچه امسال ۱۳۰۳ است».

۱۳

در واقع تفسیر آثار و تحقق آثار شیخ زاده ذکر را با شیخ ابراهیم بن شیخ زید الدین

محمد برآینه شرح رب عتیبه تفسیر احوال و هنر کتب و سائیه و معاین

صاحب این فائزاه کتب قرآن پوختن و اینها را یک از هزارات کمره سلیمان

قرآن سخت جدا غده الجود و آینه اهل کفایت اهور

صورت آنچه در اجزای کاشی منمن معلوم میشود

چه از رنگی که دیده میشود یا از آن رنگی که بر اجز

مانند و بطرز مخصوصی در روشنی سایه دیده میشود

در صفحه مقابل است

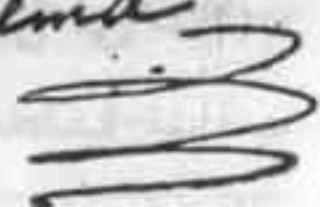
خانه زار کجی شرح المردف بصلح الدوله

۱۳۰۲

رتال جامع علوم انسانی از زیر کلام عدنان محمدی

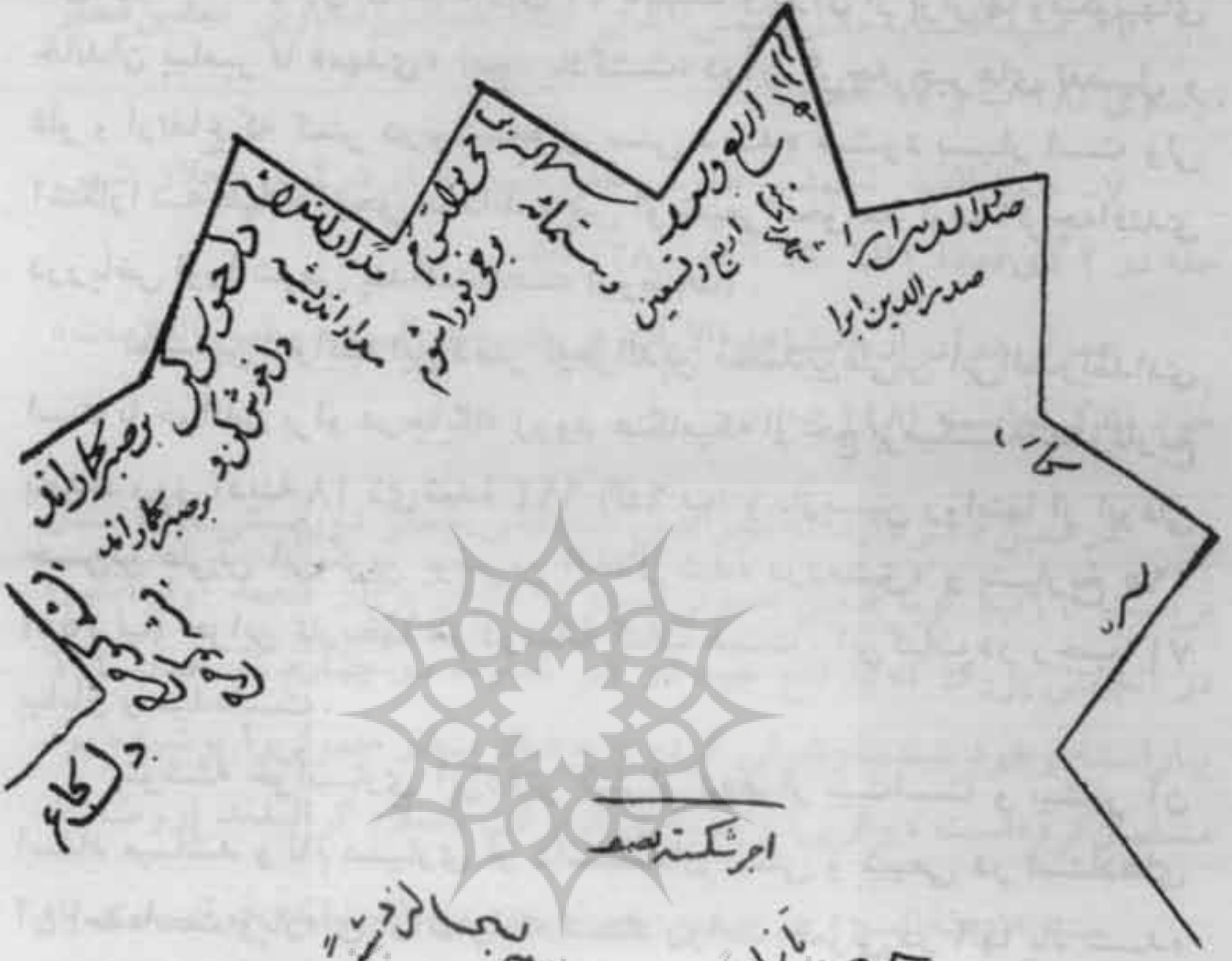
Khan, Muayid el-Hokema

۲۵ دی ماه ۱۳۰۲ بمطهره



و اینها را یک از هزارات کمره سلیمان
صاحب این فائزاه کتب قرآن پوختن
۱۳۰۲

امردرست



عاشقانه
 نازانه
 جامع علوم
 نفوس و خويش
 در حوض
 حرمه

نخستین دارای فاتحه و خاتمه و ۷۲ باب و در برتریهای امیر مؤمنان علی میباشد، دومین آن هم دارای ۷۲ بابست و در آن از برتریها و نیکوئیهای خاندان پیامبر تا «مهدی» (عج) یادگشت، در آن گرچه خبرهای تفضیل و غلو و ارتفاع که کمتر در نوشته‌های سنی دیده میشود بسیار است ولی آشکارا سه خلیفه را بحق میدانند، پس او شیعی نخواهد بود، اگرچه افندی در ریاض او را شیعی پنداشته است (روضات).

نخستین روایت این دفتر از عزالدین محمد بن علی بن ابی‌الدربفدادی است با خواندن بر او در جایگاه زرود هنگامیکه از حج بر میگشته اند در تاریخ بامداد روز آدینه ۱۸ ذی‌قعدة ۶۹۴ (گش ۶ ب) و باز پسین روایتها از ابوعلی حسین بن علی بن ابی‌بکر بن یونس بن الخلال شده در دمشق، و بتاریخ ۶۹۵ (۱۵۵ ب) جز این تاریخها هم در میانه کتاب هست. این کتاب در رجب ۷۱۶ پایان رسیده است.

بنوشته خوانساری این دفتر بیش از ده هزار بیت است و بیشتر آن اسناد میباشد و نام بسیاری از دانشمندان سنی و شیعی در اسنادهای آن آمده است و پاره‌ای از آنها را که استاد روایت جموئی در آنها یاد شده خوانساری برشمرده.

از استادان شیعی اول اینها هستند:

- ۱- خواجه طوسی که از او چنین یاد میکنند «اخبارنا الصدر الإمام العلامة نصیرالدین ابو جعفر محمد بن محمد بن الحسن بن ابی‌بکر المشهدی الطوسی اجازة رحمه الله» بروایت ازدائی او نورالدین علی بن ابی‌منصور شیعی (۴ ب).
- ۲- پدر علامه حلی سدیدالدین یوسف بن المطهر (۱۱۷ الف و ۱۳۶ الف).
- ۳- محقق حلی نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر در ۶۷۱ (۷۵ ب).
- ۴- پسر عم او یحیی بن سعید.
- ۵- شیخ مفیدالدین بن الجهم حلی بدینگونه «مفیدالدین ابو جعفر

- محمد بن علی بن ابی الفنائم بن الجهم الحلی» (۱۴۹ ب) .
- ۶- سیدالنسابه جلال (شمس) الدین عبدالحمید بن فخار بن معد بن فخار موسوی (۲۸ ب و ۶۷ الف) .
- ۷- جمال الدین احمد بن طاوس حلّی درخانه او در کوی عجلان شهر حله در ۲ ذی قعدة ۶۷۱ (۶۶ الف - ۱۳۸ الف) .
- حموئی در آن از «مشاهدة الآيات في اشراط الساعة وظهور العلامات» خود یاد کرده است (۱۴۸ ب) .

در همین دفتر دارد که نجم الدین عبدالله بن جعفر دوریستی ۱۱۸ سال بزیست (۶۶ ب) گویا همین حموئی است که غازان برادر محمد اولجایتورا در انجمنی بزرگ که در کاخ خود در لار دماوند در چهارم شعبان ۶۹۴ بیمار است و خود شست و شوئی کرده و پوشاک پدر حموئی را پوشیده بود مسلمان کرده است ، و از پی آن بسیاری از ترکان باسلام گرائیدند (روضات) .

سند «ادعية السر» هم بهمین حموئی میرسد آنچنانکه خوانساری یاد کرده است، شمس الدین محمد بن یوسف بن الحسن زرنجی مدنی اشعری شافعی که از ابن صباغ مالکی روایت میکند و فیروزآبادی از او روایت دارد «نظم در السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين» دارد، (حاشیه روضات ص ۶۲۸) .

آغاز: انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم، وبه نستعين، تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً و بعث اليهم مستقلاً باعباء الرسالة داعياً بأذنه وسراجاً منيراً ... وبعد فالحمد لله ... يقول ... ابراهيم ابن محمد بن المؤيد الحموي ... هذه فوائد احاديث من بحر الفضائل مستخرجة وفي سلك الإخلاص منظومة و ازهار اخبار يزهي بها رياض المزايا والمفاخر

التي هي بسحب الولاية مرهومة .
انجام: وافق ختم هذا الكتاب... في ذكر الفرج المنتظر في جميع الأبواب
 ... و نجز الفراغ من نظم هذه الفرائد في سلك الإنتخاب و كتبه و تحريره ...
 رجب سنة ست عشرة و سبعمائة لعبدالله الفقير الى رحمة ابراهيم بن محمد
 ابن المؤيد الحموي... وهو يقول احمدك اللهم يا مفرج الكرب ... على توفيقك
 لهذا العبد... لإستخراج درر هذه الفضائل من قاموس الاخبار و رصفها في سمط
 الابيات و اشكرك على هذا النعمة... فزد اللهم ما غرست في قلوبنا من محبة
 عبادك المعصومين و ائمتنا الطاهرين بسحائب المزيد ... و اعف عنا بكرمك
 تكريماً لولايتهم فانك رحيم ودود...

يارب سهل زيارتي مشاهدتهم فان روحى تهوى ذلك الطينا
 يارب صير حيوتى فى محبتهم و محتدى معهم آمين امينا
 والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله
 ومظهر حقه محمد واهل بيته الطيبين الطاهرين اجمعين . [۱۴۹۰] .

۵۸۲ این نسخه کهن بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و در جدول
 شنگرف و لاچورد میباشد، ترنج زيبائى در گ ۱ الف هست و سرلوحى در
 ا ب . ميانہ برگ ۱ كمى تلوراج شده و از ترنج و عبارت متن اندكى رفته
 است در برخى جاها مانند (كناره برگ ۵ ب) دارد: «بلغت المقابلة» در گ ۱ الف
 دارد «الواثق بلطف الله الفنى ابراهيم بن محمد الحسينى و فقه الله لمراضيه».
 آقای مشکوة نسخه را در شب ۱۶ ذى قعدة ۱۳۶۱ از آقای میرزا
 مجدالدين فرزند صدرالافاضل به ۶۰۰ ریال خریده است . نشانه وقف هم
 در نسخه هست .

(۱۵۶ گ) - کاغذ سمرقندى - جلد مقوائى زرد ته آن ميشن .

اندازه: ۳۱×۲۰ و ۱۳/۵×۲۴/۵ س ۲۳ .

